



Worldview and the Problematic Hero in the Novel *Al-Tūt al-Murr* by Muhammad al-Arusi al-Matwi Based on Lucien Goldmann's Theory of Genetic Structuralism



Doi:10.22067/jall.2026.93877.1550

Akram Moradmand 

Ph.D Candidate, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature,
Alzahra University, Tehran, Iran.

Roghayeh Rostampour Maleki ¹ 

Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature,
Alzahra University, Tehran, Iran.

Received: 4 April 2023 | Received in Revised form: 18 July 2023 | Accepted: 21 July 2023

Abstract

The sociology of literature, an interdisciplinary field, aims to offer social criticism of literary works and illuminate the dynamic relationship between literature and society. A core concept within this critical approach is the notion of worldview, particularly as embodied by the 'problematic hero' in the novel, a concept initially introduced by Hungarian critic Georg Lukács. Lucien Goldmann expanded upon Lukács' ideas, integrating them into his critical analyses and developing his theory of genetic structuralism. Muhammad al-'Arusi al-Matwi's contemporary Tunisian novel, *Al-Tūt al-Murr*, is recognized as a social novel that scrutinizes specific societal issues in Tunisia during the colonial era. This study seeks to provide a sociological critique of *Al-Tūt al-Murr* using a descriptive-analytical method based on Lucien Goldmann's genetic structuralism, as sociological criticism is vital for understanding Tunisian society. The worldview of the novel's problematic hero, Abdullah, is evident in his protest against prevailing conditions and his resistance to colonialism, demonstrated through his efforts to eliminate drug consumption in his village. These efforts include confronting the societal culture of submission and compromise, attempting to transform existing conditions, raising awareness among the youth, and establishing a purposeful group called the 'Association for the Rescue of Youth' (Jam'iyyat Inqādh al-Shabāb). The findings suggest that while the hero achieves partial success, his loss of consciousness at the story's conclusion and the author's deliberate omission of his ultimate fate can be interpreted as symbolizing the hero's inability to fully realize his goals.

Keywords: Social Criticism, Genetic Structuralism, Lucien Goldmann, Problematic Hero, Contemporary Arabic Novel, Muhammad al-'Arusi al-Matwi, *Al-Tūt al-Murr*.

1. Corresponding Author. Email: r.rostampour@alzahra.ac.ir



زبان و ادبیات عربی، دوره هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱) تابستان ۱۴۰۴، صص: ۸۱-۶۶

جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار در رمان التوت المر اثر محمد العروسی

المطوی بر پایه‌ی نظریه‌ی نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن



(پژوهشی)



اکرم مرادمند ^{ID} (دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران)

رقیه رستم پور ملکی ^{ID} (استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران)

Doi:10.22067/jall.2026.93877.1550

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات به‌عنوان دانشی میان‌رشته‌ای به‌منظور نقد اجتماعی آثار ادبی و بیان رابطه‌ی متقابل ادبیات و جامعه به منصفی ظهور رسید. یکی از مفاهیم اصلی در نقد جامعه‌شناختی ادبیات را جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار در رمان شکل می‌دهد. این موضوع ابتدا به وسیله‌ی منتقد مجارستانی جورج لوکاچ مطرح شد. در راستای نظریات لوکاچ و در ادامه‌ی آن لوسین گلدمن ضمن کاربرد این عنوان در نقد خود، تلاش نمود آن را قوام بیشتری دهد و در نقد ساختارگرایی خود از آن بهره برد. رمان التوت المر نوشته‌ی محمد العروسی المطوی، نویسنده‌ی معاصر تونسی در زمره‌ی رمان‌های اجتماعی به شمار می‌رود که نویسنده در آن به بررسی برخی مشکلات اجتماعی جامعه‌ی تونس بر اساس حقایق کشور تونس در دوران استعمار پرداخته است. هدف پژوهش حاضر آن است تا به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی به‌نقد جامعه‌شناختی رمان التوت المر بر مبنای نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن بپردازد، چراکه برای شناخت جامعه‌ی تونس، وجود پژوهش‌هایی که بر مبنای نقد جامعه‌شناختی انجام گیرد ضروری است. جهان‌نگری قهرمان مسئله‌دار رمان یعنی عبدالله در اعتراض به وضع موجود و مبارزه با استعمار از راه تلاش برای از میان بردن مصرف مواد مخدر در روستای خود به منصفی ظهور می‌رسد. مبارزه با فرهنگ تسلیم و سازش حاکم بر جامعه، تلاش برای تغییر وضع موجود، آگاهی‌بخشی به جوانان جامعه و تشکیل گروهی هدفمند به نام «جمعیة انقاذ الشباب» از جمله تلاش‌های قهرمان مسئله‌دار رمان در این زمینه به شمار می‌رود. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده‌ی این امر است که هرچند تلاش‌های قهرمان داستان تا حدودی به ثمر می‌رسند؛ اما بیهوش شدن او در پایان داستان و عدم تعیین وضعیت وی توسط نویسنده را می‌توان به ناکامی قهرمان در دستیابی کامل به اهداف خود تعبیر نمود.

کلیدواژه‌ها: نقد اجتماعی، ساختارگرایی تکوینی، لوسین گلدمن، قهرمان مسئله‌دار، رمان معاصر عرب، محمد العروسی المطوی، التوت المر.

۱. مقدمه

امروزه با پیشرفت علوم در زمینه‌های مختلف و گسترش شاخه‌های مختلف علم و دانش لزوم نیاز به دانش‌های میان‌رشته‌ای که علوم مختلف را از جنبه‌های جدید و زوایای مختلف بررسی کند بیش‌ازپیش احساس می‌شود. یکی از شاخه‌های جدیدی که در دوره‌ی معاصر با پیوند دو دانش جامعه‌شناسی و ادبیات با یکدیگر شکل گرفته است ادبیات است به نام جامعه‌شناسی ادبیات. «جامعه‌شناسی ادبیات، به‌عنوان دانشی میان‌رشته‌ای از یک سو با ادبیات و از سوی دیگر با علم جامعه‌شناسی ارتباطی تنگاتنگ و درهم‌تنیده دارد. در نقد جامعه‌شناختی تلاش بر آن است تا ارتباط میان متن ادبی و جامعه مورد بررسی قرار گیرد تا بدین‌سان از یک‌طرف تأثیر جامعه و طبقات اجتماعی آن در شکل‌گیری و پیدایش متن ادبی موردتوجه قرار گرفته و از طرفی دیگر دیدگاه‌های فکری، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی نویسنده به‌عنوان عضوی از یک‌طبقه‌ی اجتماعی مشخص و نه به‌عنوان یک فرد از اعضای جامعه و نقش آنها در آفرینش متن ادبی مورد بحث و نقد قرار گیرد.» (توکلی محمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۴). ارتباط دو سویه‌ی جامعه و ادبیات، همیشه توجه منتقدان را به خود جلب کرده است. ماده‌ی اصلی ادبیات، زبان است. زبان در ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ساخته می‌شود و رو به تکامل می‌نهد و آنگاه که به وسیله‌ی شاعر یا نویسنده برای بیان مفاهیم عینی و ذهنی مورداستفاده خاصی قرار می‌گیرد از آن به ادبیات تعبیر می‌کنیم. پس می‌توان آن را به اعتبار ماده‌ی اصلی‌اش ذاتاً اجتماعی دانست (ولک، ۱۳۷۳: ۹۹). از دیدگاه جامعه‌شناسی ادبیات^۱، نوع ادبی رمان و به‌صورت ویژه رمان‌های اجتماعی، به‌خاطر ویژگی‌های خاص خود و به‌ویژه درهم‌تنیده بودن حوادث آن با موضوعات اجتماعی، بیشترین قابلیت را در زمینه‌ی نقد اجتماعی^۲ دارا هستند. «یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های ادبیات، منعکس کردن جامعه، فرهنگ، دانش و احساسات ملت‌ها در ادوار مختلف است. امروزه رمان به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات، بیشترین بار این مسئولیت را به دوش می‌کشد و نویسندگان در کشورهای مختلف از طریق این نوع ادبی، افکار، احساسات و نمایی از جامعه و تاریخ و فرهنگ کشورشان را در معرض دید مخاطبان خود در سرتاسر دنیا قرار می‌دهند.» (ناظمیان، ۱۴۰۰: ۱۱۰). یکی از موضوعاتی که زمینه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات و در بررسی رمان‌های اجتماعی موردتوجه قرار می‌گیرد بحث جهان‌نگری این رمان‌ها و وجود قهرمان مسئله‌دار در آن است. این موضوع را لوسین گلدمن در نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی خود به‌صورت ویژه موردتوجه قرار داده و با ارائه‌ی مباحث مربوط به زیرساخت‌های اجتماعی که منجر به شکل‌گیری روستا یا همان ادبیات می‌گردند به این دو موضوع تأکید فراوانی دارد. رمان التوت المر نوشته‌ی محمد العروسی المطوی، رمان‌نویس معاصر تونسی (۱۹۲۰-۲۰۰۵) است که در فهرست صد رمان برتر عربی قرار گرفته است. نویسنده در این رمان به بیان اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی جامعه‌ی تونس در زمان اشغال این کشور توسط فرانسه پرداخته و تلاش داشته ضمن ارائه‌ی تصویری منطبق بر حقیقت از شرایط حاکم بر کشورش، به تلاش‌های قهرمان مسئله‌دار برای مقابله با وضعیت موجود اشاره نماید.

باتوجه به آنچه گذشت پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی جهان‌نگری حاکم بر رمان التوت المر و تلاش‌های قهرمان مسئله‌دار این رمان جهت مبارزه با فساد حاکم بر تونس، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. جهان‌نگری حاکم بر رمان التوت المر چگونه در رمان نمود می‌یابد و چه مسائلی را دنبال می‌کند؟

۲. ویژگی‌های اصلی قهرمان مسئله‌دار رمان بر پایه‌ی نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن کدام است؟

فرضیه‌های مطرح شده نیز به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. به نظر می‌آید جهان‌نگری حاکم بر این رمان در قالب موضوعاتی مانند مبارزه با استعمار فرانسه، تلاش برای آگاهی‌بخشی به مردم، مبارزه با مواد مخدر و دعوت به آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی نمود یافته و هدف نهایی آن نیز دستیابی تونس به حکومتی ملی است که بدون دخالت بیگانگان اداره‌ی کشور را به دست گیرد.
۲. به نظر می‌آید قهرمان مسئله‌دار رمان بر مبنای نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن از ویژگی‌هایی مانند تنهایی، تلاش برای اصلاح جامعه، جستجوی ارزش‌های واقعی در جامعه‌ای تباه و انزوای قهرمان و پایان تراژیک بهره‌مند باشد.
- بنابراین، پژوهش حاضر به صورت کلی بر محور بررسی جهان‌نگری حاکم بر رمان التوت المر و ویژگی‌های قهرمان مسئله‌دار آن استوار بوده و تلاش دارد با در نظر گرفتن ویژگی‌های نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن، به بررسی این موضوع در رمان یاد شده دست زند.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن و بررسی جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار بر پایه‌ی این نقد مقاله‌های قابل‌توجهی نگاشته شده است؛ اما در مقابل با اینکه زمان قابل‌توجهی از انتشار رمان التوت المر می‌گذرد، کارهای پژوهشی انجام شده در مورد این رمان بسیار اندک است و پژوهشی بر اساس نقد جامعه‌شناختی برای آن صورت نگرفته است. برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها عبارتند از:

۱. مقاله‌ی «البعد الثقافي والأيدولوجی فی الروایة التونسية التوت المرّ لمحمد العروسی المطوی» چاپ شده در مجله‌ی المخبر، أبحاث فی اللغة والأدب الجزائري، شماره‌ی ۱، دوره ۲۱، سال ۲۰۲۴. نویسنده در این مقاله به بیان جنبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک در رمان مذکور پرداخته و در این زمینه به جنگ فرهنگی میان مستعمر فرانسوی و ملت تونس، جنگ ایدئولوژیک میان طبقه‌ی بورژوا و قشر کارگر در رمان و در نهایت شخصیت‌های رمان پرداخته است. مقاله بدون ارائه‌ی نتیجه‌ای مشخص و تنها با شرح آنچه در رمان اتفاق افتاده به پایان می‌رسد.
۲. مقاله‌ی «جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار در رمان الثلج يأتي من النافذة منظر ساختارگرایی لوسین گلدمن» به قلم علی شرفی و همکاران، مجله‌ی انجمن ایرانی، شماره‌ی ۷۲، سال ۱۴۰۳. نویسندگان در این پژوهش به توضیح جهان‌نگری قهرمان مسئله‌دار رمان پرداخته و تلاش وی برای احیای اصلاح جامعه و احیای ارزش‌های راستین را مورد بررسی قرار داده‌اند. قهرمان در نهایت به اهداف خود دست نیافته و با قبول شکست، تسلیم می‌گردد.
۳. مقاله‌ی «بررسی ساختار روائی در رمان التوت المر اثر محمد العروسی» به قلم مالک عبدی و آزاده رشیدی منتشر شده در مجموعه مقاله‌های هفتمین همایش بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام، سال ۱۴۰۱. نویسندگان در این مقاله ساختار روائی رمان التوت المر را از لحاظ شخصیت، پیرنگ، زاویه دید و درون‌مایه بررسی نموده و رئالیستی بودن رمان مذکور را اثبات نموده‌اند.
۴. مقاله‌ی «قهرمان مسئله‌دار در رمان عندما يفكر الرجل اثر خوله القزوينی بر اساس نظریه‌ی لوسین گلدمن» به قلم مهین ظهیری و همکاران، مجله‌ی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۰، سال ۱۴۰۱. نتایج به دست آمده از مقاله نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که قهرمان مسئله‌دار رمان با وجود تلاش فراوان برای اصلاح مفاسد اجتماعی، احیای ارزش‌های راستین، احترام به عقاید مخالفان و ایستادگی در برابر توطئه‌های دشمنان، نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد و در

حاشیه‌ی جامعه قرار می‌گیرد و در نهایت نیز دچار تعارض شده و این تعارض با مرگ قهرمان و حذف وی از جامعه به پایان می‌رسد.

۵. مقاله‌ی «جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار در رمان القوس والفراشة از منظر ساختارگرایی تکوینی» به قلم هومن ناظمیان و زهرا نیکزاد، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره‌ی ۵۹، سال ۱۴۰۰. نویسندگان در این مقاله به بررسی قهرمان مسئله‌دار در این رمان پرداخته و در این راستا تلاش نموده‌اند مسائل مربوط به طبقه‌ی روشنفکران چپ‌گرا در کشور مراکش را از طریق قهرمان مسئله‌دار این رمان بررسی نمایند. مباحثی مانند مبارزه و اعتراض به مافیای تروریسم، مافیای املاک و قاچاق، ناهنجاری‌های اجتماعی و زد و بندهای سیاسی و اقتصادی از جمله مسائلی است که در این زمینه توسط نویسندگان مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در این مقاله، تأکید نویسنده بیشتر بر ارائه‌ی مباحث مربوط به جهان‌نگری رمان بوده و این دست مسائل در آن پررنگ شده است، حال آنکه در پژوهش حاضر ضمن توجه به جهان‌نگری حاکم بر رمان، تلاش شده مسائل مربوط به قهرمان مسئله‌دار نیز به صورت موضوعی دسته‌بندی شده و تحلیل آن در اختیار خواننده قرار گیرد.

۶. پایان‌نامه‌ی ارشد با عنوان «بنیة الشخصية فی رواية التوت المر لمحمد العروسی المطوی» به قلم انفال بن خلیفه و ساره بن خلیفه، دانشگاه شهید حمه لخضر، ۲۰۱۹. نویسندگان در این پایان‌نامه به بررسی شخصیت‌ها و انواع آن در این رمان پرداخته و آن را به شخصیت‌های اصلی، فرعی، مرجع، اشاری تقسیم نموده و ارتباط سایر عناصر داستان مانند زمان، مکان و رخداد‌های داستان با شخصیت‌ها را بررسی نموده‌اند.

۷. مقاله‌ی «قهرمان مسئله‌دار در رمان اللص والکلاب اثر نجیب محفوظ» به قلم امید ایزانلو، مجله‌ی انجمن ایرانی، شماره‌ی ۴۱، سال ۱۳۹۵. نویسنده در این مقاله به بررسی نوع تعامل سعید مهران قهرمان مسئله‌دار رمان با شرایط اجتماعی عصر خود می‌پردازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تلاش قهرمان در این زمینه به شکست می‌انجامد. همان‌گونه که بیان شد تعداد مقاله‌هایی که در آن به نقد جامعه‌شناختی رمان‌های اجتماعی نوشته شده در حوزه‌ی ادبیات عربی پرداخته شده است چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی بسیار فراوان‌اند. اما مقاله‌هایی که به صورت تخصصی مبحث قهرمان مسئله‌دار را بررسی می‌کنند طبق جستجوهای انجام گرفته فقط به چند مورد بالا محدود می‌شود. باتوجه به اهمیت رمان التوت المر به عنوان یکی از صد رمان برتر در ادبیات عربی، نگارش رمان بر بستری کاملاً اجتماعی و امکان بررسی این رمان از منظر نقد جامعه‌شناختی ادبیات و عدم پژوهش مرتبط در این زمینه نیز از سوی دیگر، در مقاله‌ی حاضر تلاش شده تا موضوع قهرمان مسئله‌دار و جهان‌بینی وی در رمان یادشده مورد نقد و بررسی قرار گیرد. مسائل یاد شده در کنار لزوم شناخت بیشتر جامعه‌ی تونس توسط مخاطبان فارسی زبان بر اهمیت و ضرورت این پژوهش صحه می‌گذارد.

۲. بحث و بررسی

۱.۲. جهان‌بینی و قهرمان مسئله‌دار در نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن

یکی از شیوه‌های نوین نقد ادبی در قرن نوزدهم میلادی نقد جامعه‌شناختی ادبیات است که به واکاوی ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن‌ها با شرایط اجتماعی - سیاسی، جهان‌بینی نویسنده و چگونگی انعکاس تصویر جامعه در

جهان تخیلی و هنری او می‌پردازد (محمودی، ۱۴۰۰: ۴۵). گلدمن اصول اولیه‌ی نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی خود را بر پایه‌ی دیدگاه‌های لوکاچ در زمینه‌ی نقد جامعه‌شناختی بنا نهاد و در این میان، قهرمان مسئله‌دار را به‌صورت ویژه از وی اخذ کرده و آن را بسط و گسترش داد. در این زمینه لازم است به این نکته‌ی مهم توجه شود که «در ادبیات منظور از ساخت‌گرایی، نظامی است که بر پایه‌ی زبان‌شناسی است و در آن میان دال و مدلول باید فرق گذاشت. نقد ساختاری سه وظیفه‌ی مهم دارد: ۱. استخراج اجزای ساختار اثر. ۲. برقرار ساختن ارتباط موجود میان این اجزاء. ۳. نشان‌دادن دلالتی که در کلیت ساختار اثر است» (خضری، ۱۳۹۹: ۱۸۴). لوکاچ معتقد بود که قهرمان مسئله‌دار «میانجی و نقطه‌ی تلاقی نیروهای متضاد اجتماعی است و چهره‌ای مرکزی به شمار می‌رود که تمام جنبه‌های متضاد داستان حول محور او گرد می‌آیند و بدین‌گونه جهانی متضاد را در فضای داستان شکل می‌دهد» (لوکاس، ۱۳۷۹: ۵۷). از نظر لوکاچ این قهرمان در تلاش فزاینده‌ای است تا ارزش‌های مدنظر خود را در جامعه حاکم گرداند. او با آنچه در جامعه در حال وقوع است مخالف بوده و تلاش دارد نسبت به اصلاح جامعه و نهادینه‌سازی اصول مدنظر خود که مبتنی بر تغییر روند وضعیت موجود است اقدام نماید؛ ولی در این مسیر محکوم به شکست است و «وقتی تماس خارجی با ایده‌های فرد قطع شده و غیرقابل تحمل می‌گردند، ایده‌های او به ایده‌آلهایی تغییر می‌کنند که او توانایی تحقق آنها را ندارد؛ بنابراین خود فرد به هدف خودش تبدیل می‌شود تا زندگی‌اش را به یک زندگی راستین تبدیل کند» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۷۰). در این مرحله است که قهرمان مسئله‌دار از جامعه فاصله گرفته و در لاک خویش فرومی‌رود و به انزوا گرایش پیدا می‌کند. به عقیده لوکاچ «شکست قهرمانان رمان، بازتاب جهان واقعی و پر از تضاد است و در رمان تلاش می‌شود تا ساخت زیبایی‌شناختی جامعه‌ای را آشکار کند که در آن تضاد میان قهرمان و واقعیت، امکان رسیدن به هر نوع پایان خوشی را از میان می‌برد» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۷۲).

از نگاه لوکاچ، قهرمان مسئله‌دار در رمان متجلی می‌شود. اما چرا در دوران معاصر، رمان چنین جایگاهی دارد؟ به نظر لوکاچ به وسیله‌ی نوشتارهای دیگر نمی‌توان تمام جنبه‌های متناقض هستی را در هر اثری منعکس کرد، بلکه فقط رمان است که با ترسیم اعمال یک قهرمان مثلاً دیوانه یا جنایت‌کار، می‌تواند متناقض‌ترین جنبه‌های هستی را تصویر کند یا به بیان دیگر، تمامیت زندگی را تجسم بخشد. با این بینش، او قهرمانان رمان را افرادی مسئله‌دار می‌نامد (پارکینسون، ۱۳۷۵: ۲۲۷-۲۲۹). همان‌گونه که گذشت پس از لوکاچ، گلدمن این نظریه را گسترش داد. گلدمن با بهره‌گیری از دیدگاه‌های لوکاچ در کتاب نقد رمان او، به بسط و گسترش دیدگاه‌های لوکاچ پرداخته و نظریه‌ای را مطرح نمود که به ساختارگرایی تکوینی معروف شد. ساختارگرایی روشی از تفکر است که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم در مطالعات مربوط به علوم‌انسانی از جمله روان‌شناسی، اسطوره‌شناسی و ادبیات رواج یافت و هر پدیده را به منزله‌ی نظامی از دلالت‌ها بررسی می‌کند (پاینده، ۱۳۹۷: ۱۵۶-۱۵۵).

در کنه ایده‌ی ساختارگرایی، ایده‌ی نظام جای دارد. به بیان دیگر، ساختار یعنی نظام. در هر نظامی همه‌ی اجزا به هم مرتبط هستند و کارکرد همه‌ی اجزا وابسته به کل نظام است؛ بنابراین کل نظام بدون درک کارکرد اجزا قابل‌درک نیست (گلدمن، ۱۳۶۹: ۹)؛ بنابراین در این نظریه با مبحث ساختار یا نظام هدفمند روبرو هستیم و بر همین اساس «ساختارگرایی تکوینی واکنشی بود به ساختارگرایی صورت‌گرا که فقط به متن ادبی اکتفا می‌کرد و از توجه به ارتباط متن ادبی با شرایط اجتماعی غافل بود» (عزام، ۱۹۹۶: ۴۲). گلدمن در نظریه‌ی خود معتقد است که «رمان حماسه‌ای ذهنی است که در آن نویسنده خواستار ترسیم جهان به شیوه‌ی خاص خود است، رمان سرگذشت جست‌وجویی تباه

است، جست‌وجوی ارزش‌های راستین در جهانی که در آن نیز در سطحی بسیار گسترده‌تر و به‌گونه‌ای متفاوت، تباه است» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۰). بنابراین در دیدگاه گلدمن، قهرمان مسئله‌دار در رمان در جنگی دائمی با شرایطی قرار دارد که از نظر او نامطلوب و غیرقابل تحمل است و به تباهی دنیا انجامیده است و البته در عالم واقع نیز این امر مصداق و حقیقت داشته و آنچه قهرمان داستان با آن مخالفت می‌ورزد در عالم واقع نیز امری نامطلوب به شمار می‌آید، اما این مبارزه‌ای یک‌طرفه است و عاقبتی جز شکست و نابودی برای قهرمان در پی ندارد؛ گلدمن با مطالعه‌ی کتاب نظریه‌ی رمان جورج لوکاچ دریافت که میان ساختار کلاسیک رمان و ساختار مبادله در اقتصاد آزاد پیوندی عمیق استوار است، زیرا از نظر لوکاچ، رمان سرگذشت قهرمان مسئله‌دار آن است که در جهانی تباه به جست‌وجوی ارزش‌های راستین پردازد (گلدمن، ۱۹۸۷: ۶۶). این ارزش‌ها بر مبنای نظریه گلدمن نمود بارزی ندارند، بلکه در ماهیت اقدامات قهرمان نهفته‌اند و حتی خود قهرمان نیز از آن آگاهی ندارد (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۸). و البته «ارزش‌های راستین از واقعیت اقتصادی - اجتماعی جدا نمی‌شوند؛ بلکه برعکس به آن اتکا دارند» (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۴۹). به عبارت دیگر میان ارزش‌های راستین و حقیقت اقتصادی - اجتماعی جامعه رابطه‌ای وجود دارد که لزوماً همسو نبوده و برعکس در بسیاری از مواقع در تقابل و تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و همین موضوع است که باعث ایجاد مشکل برای قهرمان رمان گشته و او را به قهرمانی مسئله‌دار تبدیل می‌کند. قهرمان رمان در جست‌وجوی کلیتی پنهان است که در آن آدمی و جهان سازگار باشند. وی برای رسیدن به این هدف علی‌رغم شکست محتوم، باید زندگی در جهان خصمانه را تاب آورد (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

یکی از مسائلی که گلدمن در ارتباط مستقیم با قهرمان مسئله‌دار بیان می‌نماید جهان‌نگری نویسنده است. در حقیقت گلدمن معتقد است که نویسنده/قهرمان مسئله‌دار از جانب خود سخن نمی‌گوید؛ بلکه نماینده‌ی گروهی است که به آن تعلق دارد و این گروه از ایدئولوژی و طرز فکر خاص خود بهره‌مند است. به عقیده‌ی گلدمن، نویسنده واسطه‌ای است برای انتقال جهان‌نگری یک گروه یا طبقه‌ی خاص به متن ادبی، بنابراین منتقد باید در مطالعه‌ی متن به دنبال شناخت گروه‌ها یا طبقاتی باشد که ذهنیت نویسنده را غنی ساخته‌اند (عسگری، ۱۳۸۷: ۵۷). به همین علت است که گلدمن هر اثر ادبی را مستقل از نویسنده و متعلق به گروه و طبقه‌ای می‌داند که نویسنده به آن تعلق دارد. مقصود گلدمن از جهان‌بینی یا جهان‌نگری، مجموعه‌ی آرزوها، احساسات و اندیشه‌هایی است که اعضای گروه و بیشتر افراد طبقه‌ی اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد و آنها را در برابر سایر گروه‌ها و طبقه‌ها قرار می‌دهد (گلدمن، ۱۳۷۱: ۱۳-۱۱) بنابراین مفهوم جهان‌نگری از نظر گلدمن با مفهوم سستی آن متفاوت است و فراتر از فرد به ساختار ذهنی طبقه‌ی اجتماعی تعلق دارد که نویسنده از آن طبقه برخاسته است (باسکادی، ۱۹۸۶: ۴۸). همین ساختارها است که به فعالیت‌های قهرمان رمان جهت داده و آن را در مسیر مشخصی تعریف می‌نماید و البته با توجه به مسئله‌دار بودن قهرمان، این فعالیت‌ها در مسیری مشخص می‌شود که با ارزش‌های حاکم بر جامعه مغایرت دارد.

جهان‌نگری حاکم بر رمان باعث به‌وجود آمدن ساختارهای معنادار در آن می‌شود که یکی از شاخص‌های اصلی ساختارگرایی تکوینی را تشکیل می‌دهد و به این معنا است که «تمامی اعمال و رفتار انسانی، واکنشی از سوی فرد یا جمع است که در موقعیتی معین خواستار دگرگون کردن اوضاع بر وفق تمایلات خود هستند؛ بنابراین تمامی رفتارهای انسانی خصلتی بامعنا دارند و پژوهشگر باید با کار خود، معنای آنها را روشن کند» (ولی‌پور هفشجانی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

۲.۲. آشنایی با رمان التوت المر و جهان‌نگری حاکم بر آن

رمان التوت المر (۱۹۶۷م) نوشته‌ی محمد العروسی المطوی، نویسنده‌ی معاصر تونس‌ی را باید در گروه رمان‌های اجتماعی دسته‌بندی کرد. این رمان داستان گروهی از جوانان تونس‌ی را بیان می‌کند که بر ضد اهداف شوم استعمار فرانسه در تونس و رواج عامدانه‌ی مصرف مواد مخدر و به‌ویژه حشیش در میان نسل جوان تونس، به پا خواسته‌اند. این رمان به شیوه‌ی رمان‌های سستی نگاشته شده و روند خطی، زمانی و مکانی را دنبال می‌کند و وقایع آن از نقطه‌ای شروع شده، به گره‌افکنی رسیده و در نهایت نیز گره‌گشایی می‌شود. حوادث رمان در روستایی کوچک و آرام از کشور تونس اتفاق می‌افتد و درون‌مایه‌ی آن کاملاً اجتماعی بوده و به مبارزه‌ی قهرمان داستان با استعمار فرانسه می‌پردازد که این مبارزه در مخالفت با مصرف مواد مخدر و به‌ویژه حشیش نمود می‌یابد. در این داستان اجتماعی با درون‌مایه‌ی کاملاً سیاسی - اجتماعی روبرو هستیم و در پی آن شاهد شخصیت‌های تماتیک، قهرمان مسئله‌دار و آگاهی‌های فردی و جمعی هستیم که همگی بر اساس نقد ساختارگرایی تکوینی قابل‌بررسی و تحلیل هستند.

باتوجه به موضوع اجتماعی رمان، هر کدام از شخصیت‌های آن در واقع نماینده‌ی یک طبقه‌ی اجتماعی خاصی به شمار می‌آیند. قهرمان اصلی داستان جوانی است به نام عبدالله که در یکی از مغازه‌های روستا شاگردی می‌کند و عصرها با دوستان خود در قهوه‌خانه‌ی روستا جمع شده و به نوشیدن قهوه و بازی‌های محلی مشغول می‌شوند. به تدریج در میان این گروه جوان که در واقع نماینده‌ی قشر انقلابی تونس به شمار می‌روند، آگاهی‌هایی در مورد مصرف آزادانه‌ی حشیش و گسترش آن در میان جوانان و حمایت استعمارگران فرانسوی و دولت دست‌نشانده‌ی تونس از این امر به وجود می‌آید. این آگاهی زمانی به فریاد اعتراض تبدیل می‌شود که عبدالله بدون آگاهی خودش، در یک مراسم عروسی، حشیش استفاده می‌کند و کنترل خود را بر رفتار و حرکاتش از دست می‌دهد. وی بعداً این ماجرا با دوستان خود گروهی را به نام «جمعية انقاذ الشباب: انجمن نجات جوانان» تشکیل داده و به ازبین‌بردن گیاه حشیش در روستا و مبارزه با استفاده از آن دست می‌زند.

این مبارزه تا جایی ادامه پیدا می‌کند که فرزند یکی از افراد روستا، مغازه‌ی پدر خود را که در کار خرید و فروش حشیش و تجارت آن است، به آتش می‌کشد. داستان با ازدواج عبدالله و دختر معلول حاج علی و ناراحتی مادر وی از این ازدواج و ترک منزل ادامه می‌یابد. همسر عبدالله باردار می‌شود و هنگام وضع حمل، معجزه‌ای اتفاق می‌افتد و او که معلول بوده به ناگاه بهبود می‌یابد و روی پاهای خود می‌ایستد، عبدالله قبل از دیدن فرزندش با خوشحالی به سوی منزل مادر خود می‌دود تا این خبر را به او برساند، اما در میان راه پایش به سنگی برخورد کرده و بر زمین می‌افتد و از هوش می‌رود و این‌گونه داستان رمان، بدون مشخص نمودن وضعیت مرگ یا زندگی قهرمان به پایان می‌رسد.

باتوجه به آنچه گذشت این رمان بر بستری اجتماعی و با تأثیرپذیری از شرایط حاکم بر تونس در دوره‌ی زمانی خاص کشور تونس در زمان جنگ جهانی دوم نگاشته شده است. شیوه‌ی روایت رمان توسط سوم شخص یا دانای کل بوده و موضوع اصلی این رمان، به کارگیری و مصرف مواد مخدر توسط مردم تونس و حمایت استعمار فرانسه از این امر است. موارد مذکور همان زیرساخت‌هایی هستند که طبق نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی گلدمن سبب شکل‌گیری این اثر شده‌اند؛ بنابراین شخصیت‌های موجود در این رمان همگی تماتیک بوده و علاوه بر آنان رمان دارای یک شخصیت اصلی است که می‌توان آن را حسب نظریه‌ی مورد تحقیق همان شخصیت مسئله‌دار به شمار آورد. رخداد‌های این رمان،

افزون بر پرداختن به استعمار و استبداد فرانسه در جامعه‌ی تونس، به پدیده‌ی حشیش، کشت وکار و رواج آن و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن، مبارزه‌ی مستقیم جوانان تونسی با مواد مخدر، و نیز برخی مسائل خانوادگی و تقابل نسل‌ها می‌پردازد. این موضوعات در کنار یکدیگر جهان‌نگری و ایدئولوژی حاکم بر داستان را مشخص می‌کنند.

۳.۲. قهرمان مسئله‌دار در رمان التوت المر

همان‌گونه که گذشت رمان التوت المر بر پایه‌ی رخداد‌های سیاسی - اجتماعی کشور تونس در دوران تحت‌الحمایگی این کشور و سیطره‌ی استعمار فرانسه بر آن نگاشته شده است. «کشور تونس تا سال ۱۸۸۱ میلادی به مدت سیصد سال تحت سلطه‌ی ترکان عثمانی قرار داشت، ولی در این سال از سلطه‌ی آنها خارج شده و استعمار فرانسه بر این کشور و پیش از آن نیز بر کشور الجزایر تسلط پیدا کرد» (القصاب، ۱۹۸۶: ۷). رمان التوت المر نیز دقیقاً در مورد رخداد‌های این دوره‌ی استعماری به نگارش درآمده و از آنجایی که با دیدگاهی انتقادی به مسائل حاکم بر جامعه می‌نگرد می‌توان آن را در زمره‌ی رمان‌های رئالیسم انتقادی به شمار آورد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در این رمان و در ارتباط با قهرمان مسئله‌دار به چالش کشیده شده در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳.۲. تنهایی قهرمان مسئله‌دار

همان‌گونه که در مباحث گذشته بیان شد یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده‌ی نقد ساختارگرایی گلدمن، مبحث قهرمان مسئله‌دار است که با جهان‌نگری خاص خود در تعارض با آنچه در جامعه می‌گذرد، پا به میدان رمان می‌گذارد. «اصطلاح شخصیت مسئله‌دار را نه به معنای فرد مسئله‌ساز بلکه به معنای شخصیتی به کار می‌بریم که زندگانی و ارزش‌های او را در برابر مسائلی حل‌نشده نمی‌تواند آگاهی روشن و دقیقی از آنها به دست آورد قرار می‌دهند و این ویژگی است که قهرمان رمان را از قهرمان تراژیک جدا می‌کند» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۶۰). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قهرمان تنهایی او در برابر تعارض‌های جامعه است. به بیانی دیگر، قهرمان مسئله‌دار نخستین شخصی از نسل خود به شمار می‌رود که متوجه برخی ناراستی‌ها و کژی‌ها در جامعه خود می‌شود و وجود آنها در جامعه باعث ناراحتی، نگرانی و اضطراب خاطر او می‌گردد. در رمان التوت المر، عبدالله که قهرمان مسئله‌دار رمان است با واقعیت‌های تلخی از محیط زندگی خود روبرو می‌شود، درحالی که هم‌سن و سال‌های او در روستا غرق در شادی و استعمال مواد مخدر (حشیش) و دوری از رخداد‌های جامعه خود هستند. عبدالله با مسائلی درگیر می‌شود که فقط مختص اوست.

العروسی وضعیت روحی عبدالله را که ناخودآگاه و ناخواسته و با دسیسه‌چینی دوستانش، در یک مراسم عروسی حشیش مصرف کرده این‌گونه توصیف می‌کند: «در آن روز از خودش متنفر بود... بارها خودش را لعنت کرد... به خودش اتهام خیره‌سری و سبک‌سری زد... آیا تا این حد خفیف و پست و ذلیل شده بود؟ تا این حد... که حشیش مصرف کند... پیوسته به خود افتخار می‌کرد که حتی یک‌بار هم آن را امتحان نکرده و به دوستانش توصیه می‌کرد از این کار دست بردارند... ولی با این همه خودش به این دره سقوط کرد...» (العروسی، ۲۰۱۵: ۸۴).

عبدالله که همیشه خود را در مبارزه با حشیش تنها می‌دید اکنون نیز خود را در گناه استفاده‌ی ناخواسته از آن تنها می‌بیند و با اینکه دوستانش به این مسئله به چشم یک شوخی نگاه می‌کنند قضیه برای او چنان جدی می‌شود که تصمیم

به قطع ارتباط با آنها می‌گیرد:

«عبدالله... ما در مراسم عروسی هستیم... اوقات ما را تلخ نکن.

من تصمیم به قطع رابطه با شما گرفته‌ام.

این تصمیمی دشوار است... مگر چه اتفاقی افتاده؟

آشکارا بگویم، من نگران این پرتگاهی هستم که بر لبه‌ی آن قرار گرفته‌اید و متأسفانه دیشب علیه من نیز توطئه کردید تا جایی که عقل خود را از دست دادم» (همان: ۹۶).

این همان تنهایی قهرمان است که او را در برابر دوستانش قرار داده و کار را به جایی می‌رساند که قهرمان را در برابر معشوقه‌ی خود نیز قرار می‌دهد؛ جایی که عائشه (دختر فلجی که عبدالله قصد ازدواج با او را دارد) از او می‌خواهد تا برایش حشیش بیاورد تا با کشیدن آن مدتی از دنیای واقعی دور شده و فلج بودن خود را فراموش کند:

«عبدالله فریاد زد و آنچه را شنیده بود باور نمی‌کرد... از من می‌خواهی برای تو حشیش بیاورم...

آیا نمی‌خواهی مرا برای لحظه‌ای شاد کنی؟

لعنت به این شادی... این بدبختی است... دیوانگی است، نه، نه، نه، عائشه اصلاً به این موضوع فکر هم نکن... حرام است... به خدا حرام است...» (همان: ۱۱۷). عبدالله در شروع داستان یکی از ویژگی‌های اصلی قهرمان مسئله‌دار از نظر گلدمن یعنی تنهایی قهرمان را دارا است. هرچند در ادامه وی موفق می‌شود برخی جوانان روستای خود را در مبارزه با حشیش با خودش همراه سازد؛ ولی این تعداد (گروهی شش نفره) وقتی در برابر تمامی مردم روستا و ژاندارم فرانسه در نظر گرفته شوند باز هم تنهایی قهرمان مسئله‌دار را در برابر روند مسلط بر جامعه تأیید می‌کند.

۲.۳.۲. قهرمان مسئله‌دار و اصلاح جامعه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمان‌های اجتماعی ارتباط مستقیم آن با رخدادهای جامعه است، قهرمان این رمان‌ها در تلاشی پیوسته برای نشان‌دادن و اصلاح بیماری‌های اجتماعی به سر می‌برد و البته این امر معمولاً با نوعی مخالفت با آنچه بر جامعه مسلط بوده و با جهان‌نگری قهرمان رمان در تعارض است نمود می‌یابد. در حقیقت قهرمان این دست رمان‌ها بر طبق نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی تلاشی معمولاً نافرجام را برای اصلاح کژی‌های جامعه شروع می‌کند، تلاشی که در مقابل ایدئولوژی حاکم بر جامعه قرار می‌گیرد و از نظر گلدمن تلاشی مایوسانه است که عاقبتی جز شکست قهرمان در پی ندارد.

عبدالله در تلاشی پیگیر برای اصلاح جامعه که در مبارزه با حشیش نمود می‌یابد در ابتدا باید با نفس خود مبارزه کرده و خود را به این امر قانع سازد و البته همان‌گونه که گذشت در این مسیر تنها و بی‌یاور است: «این مشکل در اصل و ریشه‌ی خود به حشیش لعنتی برمی‌گردد، این امر نسبت به قبل خیلی خطرناک‌تر شده است... باید در این راه ثابت‌قدم باشد... اگر دوستانش او را ناامید کرده‌اند خودش باید وارد این میدان شود و با این کار وجدان خودش را آرام کند.» (العروسی، ۲۰۱۵: ۱۲۴). همین‌که العروسی / عبدالله در این حدیث نفس به آرامش وجدان خود فکر می‌کند نشانه‌ای از ناامیدی وی برای دستیابی به هدفی است که در پی آن برآمده است. حتی تلاش‌های او در ابتدا توسط نزدیک‌ترین دوستانش هم به سخره گرفته می‌شود: «آشکارا به شما می‌گویم خطر حشیش روزبه‌روز بیشتر می‌شود... چرا در برابر این

پرتگاه که همه در آن خواهیم افتاد ساکت بنشینیم؟ من پیشنهاد می‌کنم با یکدیگر کاری به نفع روستا انجام دهیم. مختار از پشت آلونک با صدای بلندی خندید و با طعنه گفت: سلام بر فرماندهی جدید... امشب شبی مبارک است، امامی صالح متولد شده است» (همان: ۱۳۰). مسخره‌شدن عبدالله توسط مختار که یکی از صمیمی‌ترین دوستان اوست و تشبیه کنایه‌آمیز وی به امام صالح نشان‌دهندهی اوج تنهایی قهرمان در مسیر اصلاح جامعه‌ی خود است. در جایی دیگر از رمان (صص ۱۲۹-۱۲۶) عبدالله/العروسی در مورد افرادی از روستا که حشیش زندگی آنها را به نابودی کشانده است صحبت کرده و عاقبت تک‌تک آنها را بیان می‌کند و در تلاش است ضمن آگاه نمودن مردم روستا به مضرات حشیش، تلاشی را برای اصلاح وضع موجود شروع کند: «چرا به سمت پرتگاه در حرکتیم؟ جوانان ما آگاهانه و با رضایت خاطر به سمت حشیش می‌روند... بیچاره‌هایی که گمان می‌کنند ما در مسیر انقلاب در حرکت هستیم... آیا با این جوانان سبک‌مغز نادان، انقلاب کنیم؟... آیا با عقل‌هایی فاسد و سینه‌هایی دودزده به مقابله با نیروهای استعمارگر برخیزیم؟...» (همان: ۹۷). اینها نمونه‌هایی از تلاش‌های عبدالله برای افشاگری و اصلاح جامعه است، ولی این تلاش بر طبق نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی گلدمن به نتیجه‌ی مطلوب منتهی نمی‌گردد، زیرا قهرمان رمان در این مسیر تنها است و به‌خاطر مخالفت با ایدئولوژی حاکم سرنوشت او چیزی جز شکست و تنهایی نخواهد بود.

۳.۳.۲. جستجوی ارزش‌های راستین در جامعه‌ی تباه

قهرمان مسئله‌دار با جامعه‌ی خود دارای گسست است و نمی‌تواند با آن وحدت برقرار کند. به عبارتی دیگر «قهرمان مسئله‌دار یعنی انسان مسئله‌دار، بی‌آینده، معترض و پرمشکلی که در جهانی تباه، جویای ارزش‌های کیفی و اصیل انسانی است و به همین دلیل، منتقد و مخالف جامعه است و در حاشیه‌ی آن قرار می‌گیرد» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۴۴). در همین راستا باید به این نکته نیز اشاره نمود که «یکی از ویژگی‌های قهرمان مسئله‌دار، جستجوی ارزش‌های راستین در جامعه است. لوکاچ نظام مدرن را مانع رسیدن قهرمان به آزادی و شادمانی می‌داند و معتقد است که جوهر و معنا دیگر به جهان تعلق ندارند و تنها در روح قهرمان به‌عنوان اصلی اخلاقی رسوخ کرده‌اند» (ظهیری، ۱۴۰۱: ۵۴) عبدالله در این رمان قهرمانی مسئله‌دار است که به دنبال جامعه‌ای دور از مصرف مواد مخدر می‌گردد. او با اینکه به آینده و اصلاح وضع موجود امیدی ندارد، ولی تمامی تلاش خود را به کار می‌بندد تا آن را اصلاح نماید. او جامعه را مسئول به تباهی کشیده‌شدن نسل جوان می‌داند، جامعه‌ای که با مصرف مواد مخدر رشد یافته و نسل جوان هم از لحظه‌ی چشم باز کردن، خود را در دامان این افیون دیده‌اند و بدون اینکه فرصتی برای فکرکردن به خوب و بد این مسئله داشته باشند در دام آن گرفتار آمده‌اند: «خود او نیز سزاوار سرزنش است... دوستانش گناهی نداشته‌اند... این الگوهای رفتاری از وقتی کودک بوده‌اند همراه آنها بوده، زمانی که از زندگی چیزی جز بازی کردن و خوردن نمی‌دانستند... و با همین عادت‌ها و تقالید بزرگ شده‌اند... آنها قربانی هستند... قربانی این عادت‌ها و تقلیدها...» (العروسی، ۲۰۱۵: ۸۵).

در جایی دیگر نیز به یکی از افراد روستا به نام الحناشی اشاره کرده و او را قربانی حشیش می‌داند: «حناشی؟ حناشی قربانی این حشیش ملعون است...» (همان). در واقع عبدالله جامعه‌ی خود را تباه و فاسد می‌داند، جامعه‌ای که در آن به‌جای روابط سالم انسانی، خدمت به استعمارگر و مصرف مواد مخدر در درجه‌ی اول اولویت‌بندی مردم قرار دارد. نکته‌ی جالب اینجاست که استعمارگرانی که مصرف حشیش را در تونس رواج داده و از آن حمایت می‌کنند همین عمل

را در فرانسه جرم اعلام کرده و با آن مبارزه می‌کنند. مطلبی که شک عبدالله در پیمودن مسیر مبارزه با حشیش را به یقینی تردیدناپذیر تبدیل می‌کند. ولی درهرصورت خود مردم نیز در این زمینه مقصر اصلی هستند: «چه کاری انجام دهیم؟ چه کاری می‌توانیم انجام دهیم... خیلی کارها... آیا غیر از خودمان کس دیگری هم مقصر است؟ حکومت ما را مجبور به کشیدن حشیش نکرده است!... برای این کار مالیات نگرفته است!... آن را اجباری نکرده است!... این نفس اماره است...» (همان: ۸۷). در حقیقت العروسی/عبدالله با بیان این سخنان به تباهی جامعه اشاره دارد. وی در قسمتی دیگر از رمان به زندگی شخصی به نام سی حمیده اشاره می‌کند. سی حمیده که زمانی باعث افتخار روستا بوده و در ناز و نعمت و ثروت زندگی می‌کرده اکنون به‌خاطر مصرف حشیش در فقر و فلاکت روزگار می‌گذراند و تنها دوستی که برای او باقی‌مانده همان حشیش است. «سی حمیده تجارت خود را از دست داد، اموال و آبرویش را از دست داد و بعد از تمامی این مصیبت‌ها دیگر چه چیزی برای او باقی‌مانده است؟» (همان: ۱۲۷)؛ بنابراین عبدالله در جامعه‌ی خود به دنبال ارزش‌هایی می‌گردد که رنگ باخته‌اند و چیزی از آنها باقی نمانده است.

عبدالله در کنار مبارزه با حشیش در روستا، با دیدن دختری فقیر و فلج تلاش می‌کند تا ضمن مقابله با خانواده‌ی خود و به‌ویژه مادرش که مخالف این امر است با او ازدواج کند تا وی را از این شرایط ناخوشایند نجات دهد و در این راه به‌نوعی با آینده و خوشبختی خود هم قمار می‌کند، قماری که دست‌کم بر روی کاغذ نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت. در حقیقت تلاش عبدالله برای شکل‌گیری این ازدواج را می‌توان نمادی از فداکاری قهرمان مسئله‌دار در راه نجات مردم جامعه دانست و عایشه نیز نمادی از مردمی است که شرایط جامعه آنها را به افرادی فلج و ناتوان تبدیل نموده است. این تلاش تا آنجا ادامه می‌یابد که قهرمان داستان حاضر می‌شود زندگی خود را در راه این اصلاح فدا کند تا شاید امیدی هرچند کم‌رنگ به بهبود شرایط به دست آید و در این مسیر با خانواده و به‌ویژه مادر خود (نمادی از وطن) به مبارزه برمی‌خیزد. مادر/وطنی که در دام بلا گرفتار آمده، ولی خودش از این موضوع مطلع نیست و بر پایدار ماندن خود در این شرایط اصرار می‌ورزد. وقتی مادرش او را نفرین کرده و اعلام می‌کند که شیرش را به عبدالله حرام می‌کند او هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد و در جواب پدرش که می‌پرسد آیا واقعاً عاشق آن دختر فلج شده است، می‌گوید: «خوشم آمده یا نیامده، از نظر من این مسئله واقعاً بی‌ارزش است. پدر، من با تو به‌عنوان یک انسان سخن می‌گویم، دلم برای این دختر که قربانی روزگار شده و زندگی را در سختی و بدبختی می‌گذراند می‌سوزد... می‌خواهم او را از بدبختی نجات داده و خوشحال کنم... دختران دیگر به‌راحتی شوهرانی برای ازدواج می‌یابند، اما او زیان‌دیده و تنها باقی خواهد ماند» (همان: ۱۷۹). این فداکاری و ایستادن در برابر خانواده چیزی جز ناامیدی قهرمان از جامعه‌ی خود و تلاشی مأیوسانه برای اصلاح آن هرچند با قربانی کردن تمامی زندگی خودش نیست.

۴.۳.۲. انزوای قهرمان مسئله‌دار و پایان تراژیک

قهرمان داستان، با اراده‌ای آهنین و روحی سرکش در تقابل با قید و بندهای اجتماعی قرار می‌گیرد. تلاش او برای استقلال و رهایی از قفس آداب و رسوم، او را به حاشیه‌ی جامعه رانده و در تنهایی فرومی‌برد و زمینه‌ی تباهی او را فراهم می‌کند. قهرمان مسئله‌دار در برابر ارزش‌های حاکم می‌ایستد و می‌کوشد در جامعه‌ی تباه، ارزش‌های راستین را احیا کند، اما شکست می‌خورد و منزوی می‌شود (شرفی، ۱۴۰۳: ۱۷۶). گلدمن یکی از ویژگی‌های اصلی قهرمان

مسئله‌دار را شکست وی در راه رسیدن به اهداف خود می‌داند. در واقع از دیدگاه گلدمن، قهرمان رمان‌های اجتماعی تلاش‌های فراوانی انجام می‌دهد و سعی بر اصلاح جامعه‌ی خود دارد، ولی به دلایل مختلفی این تلاش‌ها به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسد: قهرمانان مسئله‌دار اگرچه به هریک از اعضای جامعه‌ی خود روحیه‌ی امید به زندگی را هدیه می‌دهند، اما سرانجام آنان چیزی جز شکست و مرگ نیست (گلدمن، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

البته این مرگ، مرگی نمادین است که در به تحقق نرسیدن رؤیاهای قهرمان نمود می‌یابد. به عبارت دیگر لازم نیست زندگی قهرمان تمامی رمان‌های اجتماعی با مرگ به پایان رسد، ولی در هر صورت با نوعی سرخوردگی و ناامیدی قهرمان از به نتیجه رسیدن تلاش‌های خود یا در شرایط بهتر با نامشخص بودن نتیجه‌ی این تلاش‌ها، داستان رمان به پایان می‌رسد. در زمینه‌ی تلاش‌های عبدالله برای نابودی حشیش، هرچند او و چند تن از دوستانش موفق به نابودکردن برخی از درختچه‌های حشیش که با حمایت دولت در روستا کاشته شده می‌شوند، ولی با ورود ژاندارم‌های فرانسوی به روستا و فعال شدن شبکه‌ی جاسوسی آنها در روستا، کمتر کسی جرأت صحبت کردن در مورد این موضوع را به خود می‌دهد به گونه‌ای که عبدالله حتی در نماز جمعه نیز هیچ گونه صحبتی در مورد مسائل روز جامعه خود نمی‌یابد؛ امری که به سرخوردگی و ناامیدی بیشتر وی منجر می‌شود: «امام جمعه به منبر رفت... خطبه‌ی تکراری خودش را خواند... هیچی... تکرار مکرراتی بیهوده... عبدالله تمامی صحبت‌های او را کلمه به کلمه از حفظ داشت... تنها چیزی که جدید بود عصایی بود که امام جمعه به دست گرفته بود...» (العروسی، ۲۰۱۵: ۱۰۵). یا در جایی دیگر برای دوستان خود از مضرات حشیش می‌گوید: «صادقانه بگویم من از این مصیبتی که همه جا را فراگرفته خسته شده‌ام. جوانان دیوانه وار به سمت آن می‌روند... خطر حشیش روز به روز بیشتر می‌شود... قربانی‌های بی‌شمار حشیش فقط باعث شده بیشتر و بیشتر به سمت آن برویم... چرا در برابر پرتگاهی که همگی قرار است داخل آن بیفتیم ساکت نشسته‌ایم؟» (همان، ۱۳۰). ولی در پایان، دوستانش روی خوشی به این سخنان وی نشان نداده و او را مسخره می‌کنند. «اندیشه‌ی این قهرمانان کشف معماهاست و تلاش برای دیگرگونه بودن دغدغه‌ی آنهاست. آنها مبارزه‌ی اجتماعی و سیاسی را تنها راه بهبود وضعیت زندگی مردم اطراف خود می‌دانند و از آنجایی که هیچ معیار مشترکی بین ذهنیت آنها و جامعه‌ی فاسد حاکم وجود ندارد، شجاعت آنها محکوم به شکست است» (زافا، ۱۳۸۶: ۱۷۳). این شکست برای عبدالله در عدم همراهی مردم با او جهت رسیدن به خواسته‌هایش نمود می‌یابد. هرچند برخی از جوانان روستا در نهایت با او همراه می‌شوند، ولی به آنچه اراده کرده است دست نمی‌یابد. در بحث ازدواج با عائشه نیز عبدالله حمایت خانواده‌ی خود را از دست می‌دهد و مادرش برای همیشه وی را ترک می‌کند و هیچ گاه حاضر به دیدن عبدالله یا عروسیش نمی‌گردد. در پایان داستان نیز عبدالله از عائشه صاحب فرزندی می‌شود و با خوشحالی و بدون اینکه به دیدن فرزندش برود دوان دوان به سمت خانه‌ی مادر به راه می‌افتد تا هم خبر بچه دار شدن خود را به او بدهد و هم وی را شفای معجزه گونه‌ی عائشه بعد از زایمان و برطرف شدن مشکل فلج او آگاه نماید؛ اما در میانه‌ی راه به علت سرعت زیاد بر زمین می‌افتد و بر اثر اصابت سرش به سنگی در مسیر، از هوش می‌رود. شاید العروسی نخواسته رمان خود را تلخ به پایان برساند که آن را با مرگ قهرمان تمام نکرده و یا شاید خواسته پایان رمان و تصمیم در مورد مردن یا زنده ماندن قهرمان را به عهده‌ی خواننده‌ی خود بگذارد. در هر صورت رمان به گونه‌ای پایان می‌پذیرد که عبدالله در دست‌یابی به اهدافی که برای خود ترسیم نموده ناکام مانده یا دست کم به تمامی چیزهای که اراده کرده بود نرسیده است که با سرنوشت قهرمانان رمان‌های اجتماعی در نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی گلدمن هم خوانی و هماهنگی دارد.

نتیجه گیری

بررسی رمان التوت المر نشان می‌دهد که این رمان از درون‌مایه‌ای اجتماعی برخوردار است و جهان‌بینی حاکم بر آن، بر تلاش قهرمان مسئله‌دار برای مبارزه با استعمار فرانسه به‌طور عام و نابودی مصرف مواد مخدر به‌طور خاص استوار است. در همین راستا برخی ویژگی‌های اصلی قهرمان مسئله‌دار بر اساس نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن در این رمان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

جهان‌نگری و درون‌مایه‌ی رمان التوت المر کاملاً سیاسی - اجتماعی بوده و شخصیت‌های رمان هر کدام نماینده‌ی یک گروه فکری و ایدئولوژیک بوده و شخصیت‌هایی تماتیک به شمار می‌آیند و همین مسئله باعث شده تا بتوان این رمان را بر مبنای نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی گلدمن مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. رخدادهایی اجتماعی مانند استعمار فرانسه، مصرف مواد مخدر به‌صورت گسترده و به‌ویژه مصرف حشیش و تبعات اجتماعی وابسته به آن، تقابل نسل‌ها و تقسیم‌بندی طبقاتی جامعه از جمله مهم‌ترین نمودهای ایدئولوژیک بودن این رمان اجتماعی به شمار می‌روند. شخصیت اصلی و قهرمان مسئله‌دار رمان، عبدالله نام دارد. شرایط فردی و اجتماعی عبدالله با ویژگی‌هایی که گلدمن در نظریه‌ی قهرمان مسئله‌دار بیان می‌نماید تطابق کاملی دارد. عبدالله در سطحی فکری فراتر از جامعه‌ی پیرامون خود می‌اندیشد و همین بینش برتر او را برمی‌انگیزد تا برای هم‌سوسازی مردم جامعه با دیدگاه‌های خویش تلاشی آگاهانه آغاز کند. این دیدگاه در مبارزه با استعمار فرانسه و مصرف حشیش که توسط فرانسویان ترویج می‌شد نمود می‌یابد. او باوجود تلاش‌های فراوان، خود را در این مسیر تنها می‌یابد و فقط چند نفر محدود از دوستانش با وی در این موضوع همراه می‌شوند که این امر به موضوع تنهایی قهرمان که در ساختارگرایی تکوین گلدمن به آن تأکید شده است صحنه می‌گذارد.

در حقیقت تلاش عبدالله چیزی جز جستجوی ارزش‌های واقعی در یک جامعه‌ی استعمارزده و تباه شده نیست. هرچند وی در این راه موفقیت‌هایی نیز به دست آورده و برخی مزارع حشیش را با دوستانش نابود می‌کند، ولی در نهایت با ورود ژاندارم‌های فرانسوی ادامه این فعالیت برای او ناممکن می‌گردد. در حقیقت و بر طبق این نظریه، عبدالله قهرمانی تنهاست که در مسیر دستیابی به آرمان‌های خود به مبارزه‌ای سرسختانه دست می‌زند؛ ولی این مبارزه پایان خوشی ندارد و عاقبت آن ناکامی و ابهام در دستیابی به اهداف است. این امر در فعالیت‌های عبدالله برای مبارزه با استعمار فرانسه و مصرف حشیش در رمان به‌خوبی مشهود است.

مخالفت خانواده در ازدواج او با دختری فقیر و فلج که از روی دل‌رحمی و در راستای تلاش‌های عبدالله برای نجات جامعه انجام شده نیز بر افسردگی عبدالله می‌افزاید و سبب ناامیدی بیش‌ازپیش وی می‌گردد. در هر صورت نوع و چگونگی تلاش‌های عبدالله طبق نظریه‌ی گلدمن از او فاعلی جمعی و فرافردی می‌سازد و براین‌اساس، عبدالله قهرمانی است که ناامیدانه در جامعه‌ای تباه، دست به جستجوی ارزش‌هایی راستین زده و تمامی تلاش خود را برای اصلاح جامعه به کار می‌بندد اما در هر دو تلاش فردی و اجتماعی خود نتیجه‌ی مطلوبی نمی‌گیرد و پایانی جز انزوا و تنهایی برای وی وجود ندارد. در نهایت نیز بیهوش شدن او در مسیر خانه‌ی مادر و نامشخص بودن سرانجام تلاش‌های قهرمان، خواننده را به پذیرفتن شکست او در رسیدن به اهدافش متمایل می‌سازد که با دیدگاه گلدمن در مورد سرانجام قهرمان مسئله‌دار سازگاری کامل دارد.

پی‌نوشت‌ها

1- Sociology of literature

2 -Social Criticism

کتابنامه

۱. باسکادی، یون (۱۹۸۶م). *البنیویۃ التکوینیۃ ولوسیای غولدمان (من مجموعه البنیویۃ التکوینیۃ والنقد الادبی)*، ترجمه: محمد سبیلا، ط ۲، بیروت: مؤسسه الأبحاث الأدبیۃ.
۲. پاینده، حسین (۱۳۹۷ش). *نظریه و نقد ادبی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: سمت.
۳. زافا، میشل (۱۳۸۶ش). *جامعه‌شناسی ادبیات داستانی*، ترجمه: نسرين پروین، تهران: نشر سخن.
۴. العروسی، محمد (۲۰۱۵م). *التوت المر*، تونس: منشورات زخارف.
۵. عزام، محمد (۱۹۹۶م)، *فضاء النص الروائی مقاربة بنیویۃ تکوینیۃ فی ادب نبیل سلیمان*، ط ۱، اللاذقیۃ: دار الحوار.
۶. القصاب، احمد (۱۹۸۶م). *تاریخ تونس المعاصر*، تعریب: حمادی الساحلی، تونس: الشركة التونسية للتوزيع.
۷. گلدمن، لوسین (۱۳۷۱ش). *نقد تکوینی*، مترجم: محمدتقی غیاثی، تهران: بزرگمهر.
۸. ----- (۱۳۷۶ش). *پیوند آفرینش ادبی با زندگی اجتماعی*، مترجم: محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.
۹. ----- (۱۳۸۱ش). *جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)*، ترجمه: محمدجعفر پوینده، چ ۱، تهران: نشر چشمه.
۱۰. لوکاچ، جورج (۱۳۸۰ش). *نظریه‌ی رمان*، مترجم: حسن مرتضوی، تهران: قصه.
۱۱. لوکاس، جورج بلانچارد (۱۳۷۹ش). *نویسنده، نقد و فرهنگ*، مترجم: اکبر معصوم بیگی، تهران: دیگر.
۱۲. ولک، رنه و آستین وارن، (۱۳۷۳ش). *نظریه‌ی ادبیات*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. ایزانلو، امید (۱۳۹۵ش). «قهرمان مسئله‌دار در رمان اللص والکلاب اثر نجیب محفوظ»، *مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۹۶-۱۷۷.
۱۴. پارکینسون، جی (۱۳۷۵ش). «لوکاچ و جامعه‌شناسی ادبیات»، مترجم: هاله الجوردی، *ارغنون*، شماره ۹ و ۱۰، صص ۲۲۱-۲۳۸.
۱۵. توکلی محمدی، محمودرضا و آذرشب، محمدعلی (۱۳۹۸ش). «نقد جامعه‌شناختی رمان شیکاگو اثر علاء الاسوانی بر پایه‌ی نظریه‌ی ساختارگرایی تکوینی»، *دوفصلنامه‌ی علمی نقد ادب معاصر عربی*، سال نهم، ۱۹ پیاپی، ۱۷ علمی، صص ۱۶۷-۱۴۳. (SID. <https://sid.ir/paper/237739/fa>)
۱۶. خضری، محمدرضا و عظمت پناه، مریم. (۱۳۹۹). «واکاوی جامعه‌شناختی ادبی در داستان کوتاه «الزیف» بر اساس اسلوب لوسین گلدمن». *زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۱)، ۱۸۱-۱۹۴. (<https://doi.org/10.22067/jall.v12.i1.79335>)
۱۷. شرفی، علی و ابراهیمی کاوری، صادق و چولانیان، رحیمه (۱۴۰۳ش). «جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار در رمان «التلج یأتی من النافذه» از منظر ساختارگرایی لوسین گلدمن»، *مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۷۲، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۶۷-۱۹۴. (10.22034/jgeoq.2023.233404.2907)

۱۸. ظهیری، مهین و پور عابد، محمدجواد و زارع، ناصر و بلاوی، رسول. (۱۴۰۱). «قهرمان مسئله‌دار در رمان «عندما يفكر الرجل» اثر خوله القزوينی بر اساس نظریه لوسین گلدمن». *زبان و ادبیات عربی*، ۱۴ (۳)، ۶۶-۷۶. (<https://doi.org/10.22067/jallv14.i3.2204-1130>)
۱۹. غلدمن، لوسیان (۱۹۸۷م). «مدخل الى قضايا علم اجتماع الرواية»، تعريب: محمد معتصم. *دراسات عيون المقالات*، الرقم: ۶-۷، صص ۸۱-۶۵.
۲۰. محمودی، اعظم (۱۴۰۰ش). «پست‌مدرنیسم ایدئولوژیک از منظر نقد جامعه‌شناختی (بررسی موردی قصیده‌ی فضیحه‌ الثعلب اثر ابراهیم نصرالله)»، *مجله‌ی زبان و ادبیات عربی*، دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۲۵، صص ۶۲-۴۵. (<https://doi.org/10.22067/jallv13.i2.2103-1032>)
۲۱. ناظمیان، هومن و نیکزاد شهریور، زهرا (۱۴۰۰ش). «جهان‌نگری و قهرمان مسئله‌دار در رمان القوس والفراشة از منظر ساختارگرایی تکوینی»، *مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۰۹-۱۲۸.
۲۲. ولی‌پور هفشجانی، شهناز (۱۳۸۷ش). «ساخت‌گرایی تکوینی و لوسین گلدمن»، *مجله‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه سمنان*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۴۴-۱۲۹.

References

- Al-Arousi, M. (2015). *Al-Tut Al-Morr*. Tunis: Zakharef Publications. (In Arabic)
- Al-Qassab, A. (1986). *Contemporary history of Tunisia* (H. Al-Sahli, Trans.). Tunis: Tunisian Distribution Company. (In Arabic)
- Azzam, M. (1996). *The space of the novelistic text: A genetic structuralist approach in the literature of Nabil Suleiman* (1st ed.). Lattakia: Dar Al-Hiwar. (In Arabic)
- Baskadi, Y. (1986). *Genetic structuralism and Lucien Goldmann* (M. Sabila, Trans.; 2nd ed.). Beirut: Literary Research Foundation. (In Arabic)
- Goldmann, L. (1987). An introduction to the issues of the sociology of the novel (M. Mo'tasem, Trans.; M. Al-Bakri, Rev.). *Studies: Selected Essays*, (6-7), 65-81. (In Arabic)
- Goldmann, L. (1992). *Genetic criticism* (M. T. Ghiyathi, Trans.). Tehran: Bozorgmehr. (In Persian)
- Goldmann, L. (1997). *The relationship between literary creation and social life* (M. J. Poyandeh, Trans.). Tehran: Cheshmeh. (In Persian)
- Goldmann, L. (2002a). *Sociology of literature: In defense of the sociology of the novel* (M. J. Poyandeh, Trans.). Tehran: Cheshmeh. (In Persian)
- Izanloo, O. (2016). The problematic hero in the novel *Al-Liss wa al-Kilab* by Najib Mahfouz. *Journal of the Iranian Association for Arabic Language and Literature*, (41), 177-196. (In Persian)
- Khazri, M. R., & Azamatpanah, M. (2020). A sociological-literary analysis of the short story "Al-Zeif" based on Lucien Goldmann's approach. *Journal of Arabic Language and Literature*, 12(1), 181-194. <https://doi.org/10.22067/jall.v12.i1.79335> (In Persian)
- Lucas, G. B. (2000). *Author, criticism, and culture* (A. Masoombeigi, Trans.). Tehran: Digar. (In Persian)
- Lukács, G. (2001). *The theory of the novel* (H. Mortazavi, Trans.). Tehran: Qesseh. (In Persian)
- Mahmoudi, A. (2021). Ideological postmodernism from the perspective of sociological criticism: A case study of *Fadihat al-Tha'lab* by Ibrahim Nasrallah. *Journal of Arabic Language and Literature*, 13(2), 45-62. <https://doi.org/10.22067/jallv13.i2.1032> (In Persian)
- Nazemian, H., & Nikzad Shahrivar, Z. (2021). Worldview and the problematic hero in the novel *Al-Qaws wa al-Farashah* from the perspective of genetic structuralism. *Journal of the Iranian Association for Arabic Language and Literature*, (59), 109-128. (In Persian)
- Parkinson, G. B. (1996). *Lukács and the sociology of literature* (H. Al-Jordi, Trans.). *Arghanoon*, (9-10), 221-238. (In Persian)
- Payandeh, H. (2018). *Literary theory and criticism* (Vol. 1). Tehran: SAMT. (In Persian)

- Sharafi, A., Ebrahimi Kavari, S., & Cholanian, R. (2024). Worldview and the problematic hero in the novel *Al-Thalj Ya'ti min al-Nafidhah* from the perspective of Lucien Goldmann's genetic structuralism. *Journal of the Iranian Association for Arabic Language and Literature*, (72), 167–194. (In Persian)
- Tavakoli Mohammadi, M. R., & Azarshab, M. A. (2019). A sociological critique of Alaa Al-Aswani's novel *Chicago* based on the theory of genetic structuralism. *Biannual Journal of Contemporary Arabic Literary Criticism*, 9(17), 143–167. (In Persian)
- Valipour Hafeshjani, S. (2008). Genetic structuralism and Lucien Goldmann. *Journal of the Faculty of Humanities, Semnan University*, 7(25), 129–144. (In Persian)
- Wellek, R., & Warren, A. (1994). *Theory of literature*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Zaffa, M. (2007). *Sociology of narrative literature* (N. Parvin, Trans.). Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Zahiri, M., Pourabed, M. J., Zare, N., & Balavi, R. (2022). The problematic hero in the novel '*Indama Yufakkir al-Rajul*' by Khawla Al-Qazwini based on Lucien Goldmann's theory. *Journal of Arabic Language and Literature*, 14(3), 46–66. <https://doi.org/10.22067/jallv14.i3.1130> (In Persian)